**جایگاه ملت های ایران در انقلاب آتی و آلترناتیو دمکراتیک**

حضار محترم، خانم ها و آقایان

ضمن سپاس و تشکر بابت چنین جلسه ای و قدردانی از برگزکنندگان این سمینار، سخن خود به عنوان نماینده و رئیس حرکه النضال العربی الاحوازی را با عنوان "جایگاه ملت های ایران در انقلاب سراسری و آلترناتیو دمکراتیک" آغاز می کنم.

حرکه النضال در سال ... تاسیس یافت و در طی مدت قریب به .... سال، صدها شهید و زندانی در راه آزادی ملت عرب الاحواز تقدیم نمود. رژیم ایران در تمام سال های فعالیت حرکه النضال تلاش نمود با شیطان سازی، این جنبش را در سطح داخل و خارج بدنام نماید. در داخل کوچکترین فعالیت این جنبش را با خشن ترین شیوه ها سرکوب می نماید. اعضاء و هواداران این جنبش در داخل بدون داشتن هرگونه امکان دفاع از خود زیر شکنجه های قرون وسطی قرار گرفته و آنها را مجبور به اعتراف های دروغین می کنند تا زمینه اعدام و حبس های طویل المدت برای آنها را فراهم سازند. رژیم در خارج از ایران، رهبران و فعالین جنبش النضال در معرض اعمال تروریستی بوده و هستند. در سال ... ابو ناهض یکی از رهبران ما در هلند را ترور کردند. در سال .... یکی از رهبران ما را در ترکیه ربوده و به ایران برده و برای او حکم اعدام صادر کردند. صدها فعال عرب احوازی در سیاه چال های رژیم محکومیت های 20 سال دارند و بسیاری از آنها هنوز بعد 20 سال در زندان بسر می برند. هم اینک رژیم ایران حکم اعدام برای 6 زندانی صادر کرده است.

همه اینها نمونه های بسیار اندکی هستند از یک تاریخ مبارزه ملتی که زمانی حاکمیت مستقل و یا شبه مستقل داشته است. قبل از روی کار آمدن رضا شاه و برقراری سلطنت پهلوی، ایران یک سیستم شبه کنفدرالیسم داشت که به نام ممالک محروسه معروف بود. الاحواز به نام عربستان شناخته می شد و بوسیله امیر خزعل یا همانطور که در تاریخ شیخ خزعل معروف شد، اداره و حکمرانی می شد. بدنبال فروپاشی سلسله قاجاریه، سیستم ممالک محروسه که در آن ملت عرب در سرزمینی به نام عربستان حاکمیت شبه مستقل داشت، از بین رفت. رضا شاه به عربستان هجوم مسلحانه برد و آنجا را بزور به اشغال خود در آورد. بعد از آن و برای از بین بردن هویت ملی عربستان، به تغییر تمامی اسامی این سرزمین اقدام نمود. "عربستان" را به "خوزستان" تغییر نام داد و تمامی اسامی شهرها و حتی روستاها را از عربی به فارسی تغییر داد. سپس این سرزمین را به چندین قطعه تبدیل نمود و با اعمال پروژه هایی به جابجایی و تغییر بافت جمعیتی این سرزمین پرداخت. روستاها را ویران نمود و مردم آنجا را مجبور به مهاجرت به مناطق غیر عربی کرد و مناطقی را با آوردن ده ها هزار غیر عرب از مناطق فارس نشین رونق بخشید. هدف نه فقط از بین بردن هویت عربی ملت عربستان بلکه نابودی فیزیکی آنها هم بود. از نظر ما این یک نوع نسل کشی بود. این پروژه های ضد ملی در زمان حکومت جمهوری اسلامی ایران شدت بیشتری پیدا کرد.

با تمام این سرکوب ها و پروژه های جنایتکارانه برای محو ملت عرب از جغرافیای ایران و تبدیل آنها به اقلیتی در سرزمین خود (عربستان تاریخی – الاحواز کنونی)، این ملت بیش از گذشته به مقاومت پرداخته و با تشکیل سازمان های سیاسی متعددی در دفاع از خود برخاسته است.

در طی یک دهه اخیر ملت عرب عربستان / الاحواز، جلودار تمامی قیام ها و اعتراضات بود. در انقلاب ژینا، رژیم در ترس از پیوستن این ملت به انقلاب سراسری، عربستان / الاحواز را به یک منطقه 100 در امنیتی تبدیل کرد. و در تمامی مناطق شهرها و روستاها مراکز سرکوب شبانه روزی را بیش از هر زمان دیگر فعال نمود. اما ملت عرب مبارزه خود را ادامه داد.

اینک ما در مقابل یک خیزش انقلابی راستینی قرار داریم که همه ملت ها به آن پاسخ آری گفته اند.

این خیزش انقلابی که تا به همین امروز همچنان در این یا آن شهر ادامه دارد، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران را فریاد کرده و می کند.

انقلاب سراسری ملت های ایران که به شکل ناموزون در مناطق مختلف شکل گرفت و ادامه پیدا کرد، همچون هر انقلاب دیگری، فراز و نشیب های خود را دارد. در یک منطقه ای شدت پیدا کرد و رادیکال عمل کرد و در منطقه ای دیگر کم شدت و مراحل ابتدایی و اولیه خود را پیمود. با همه این ناموزونی، انقلاب ادامه پیدا کرد و چشم انداز بسیار روشنی را ترسیم نمود.

اما این انقلاب با تضادهایی مواجه است که بدون حل آنها نمی توان به پیروزی رسید. اصلی ترین تضاد، غیاب رهبری سازمان یافته سراسری بوده و هست.

همه می دانیم که ایران کشوری کثیر المله است. یعنی تشکیل شده از تعداد معینی از ملت هایی که تاریخ، زبان و فرهنگ مستقل از هم دارند. این به این معنی است که، انقلاب نمی تواند در یک منطقه جغرافیایی خاص محدود بماند. لازمه پیروزی آن سراسری بودن آن است. این سراسری بودن نیاز به رهبری سراسری دارد. بدون یک رهبری سراسری که خط مشی سرنگونی را در برنامه خود داشته باشد، امکان پذیر نیست.

رهبری سراسری نمی تواند در یک سازمان و یا در یک ملت خاص محدود شود. بهمین دلیل نیاز است که نمایندگان فعال و تاثیر گذار همه ملت ها در آن مشارکت داشته باشند تا هر کدام در منطقه خود زمام امور را از لحظه قیام تا سرنگونی و بعد از آن بدست گیرد.

به همین دلیل این رهبری باید در هیئت آلترناتیو سراسری ظاهر شود. یک آلترناتیو باید علاوه بر خط مشی سرنگونی دارای برنامه سراسری برای دوران گذار هم داشته باشد. برای اینکه ملت ها بدانند بعد از جمهوری اسلامی چه حاکمیتی سر کار خواهد آمد.

برای اینکه آلترناتیو سراسری باشد باید ملت ها جایگاه خودشان را در آن بیابند.

برای اینکه ملت های جایگاه خود را در آن بیابند و حاضر باشند بخاطر آن وارد صحنه قیام شوند، باید آینده سرنوشت خود را در آن پیدا کنند.

برای اینکه ملت ها در آلترناتیو و شعار آن خود را بیابند باید نمایندگان آنها در آن حضور داشته باشند و این حضور برای اینکه شکلی و فرمالیستی نباشد باید خواست و مطلب آنها در آن گنجانده شده باشد.

مطلب و خواست ملت های غیر فارس برقراری یک جمهوری دمکراتیک فدرال است که در آن ملت های غیر فارس در چارچوب یک ایران آزاد و دمکراتیک، بتوانند حاکمیت داخلی خود را اعمال کنند.

هیچ فرمولی خارج از این قادر به متحد کردن سراسر ملت های ایران نخواهد بود.

هر آلترناتیوی جدی ناگزیر از پذیرش این واقعیت است. خارج از این، نه انقلاب شکل سراسری پیدا خواهد کرد و نه پیروزی در چشم انداز خواهد بود.

ما یکی از سازمان های ملت عرب الاحواز، از هرگونه تجمع و گفتگویی که چنین آینده ای را ترسیم کند، فعالانه و با جدیت پشتیبانی خواهیم کرد.

برای ما مبنای هرگونه همکاری همانا سرنگونی این رژیم در تمامیت آن است. اما این به تنهایی کافی نیست. شرط لازم هرنوع وحدت و اتفاقی در برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملت ها در چارچوب ایران آزاد و دمکراتیک است.

با تشکر از وقتی که به من داده شد و با سپاس از همه شرکت کنندگان، سخنانم را پایان می بخشم.